بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وسيد المرسلين، أما بعد:

﴿ حکم عمل به حدیث ضعیف ﴾

از آن جایی که مباحثات علمی باعث رشد جامعه می شود, این مطالب را جمع نموده تا بتوانیم با آگاهی کامل بر مسائل علمی قضاوت کنیم, آن هم با توجه به احادیثی که در این باب وارد شده است.

۩ عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِىِّ ﷺ قَالَ: «مَنْ كَذَبَ عَلَىَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». (تخریج بخاری, حدیث شماره ۱۱۰).

* ابوهریره رضي الله عنه روایت می کند که نبی اکرم ﷺ فرمود: « هرکس به دروغ، چیزی را به من نسبت دهد، پس باید جایگاهش را در جهنم، آماده کند ».

۩ عن سمُرة رضي الله عنه قال: قال رسُولُ اللَّه ﷺ: « منْ حدَّث عنِّي بِحَدِيثٍ يرَى أَنَّهُ كذِب، فَهُو أحدُ الكَاذِبين ». (تخریج مسلم, حدیث شماره ۱).

* از سمره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: « آنکه سخنی را از من نقل کند که می بیند آن دروغ است، پس یکی از دروغگویان بشمار می رود ».

***شرح:** علماء در قبول حدیث ضعیف در احکام و فضائل اعمال اختلاف کرده‌اند در این بین سه نظر وجود دارد:

<u>رأی اول:</u> عمل کردن به حدیث ضعیف مطلقا جایز است: در تمامی موارد (احکام و عبادات، حلال و حرام، ترغیب و ترهیب) البته به دو شرط: الف) ضعف حدیث شدید نباشد. ب) در همان باب حدیث دیگری وجود نداشته باشد.

کسانی که قائل به این می‌باشند:

۱. امام ابوحنیفه (ابن حزم گوید: در نزد ابوحنیفه حدیث ضعیف بر قیاس و رأی ارجحیت دارد زمانیکه در همان باب حدیث دیگری نباشد).

۲. امام مالک؛ (ابن عبدالبر گوید: اصل در مذهب مالکی این است که احادیث مرسل افراد ثقه حجت و واجب و عمل به آن همانطور است که به حدیث مسند عمل می‌شود).

۳. امام شافعی؛ (مشهور است که احادیث مرسل را قبول و در بسیاری از موارد احادیث ضعیف را بر قیاس ترجیح داده است).

۴. امام احمد: مشهور بر این است که می‌گفت: (در نظر من حدیث ضعیف دوست داشتنی‌تر است از رأی و قیاس).

۵. أبو داود: که روش شیخش امام احمد به حدیث ضعیف عمل کرده و آنرا بر قیاس برتری می‌داده است.

رأی دوم: مطلقا جایز نیست نه احکام و نه در ترغیب و ترهیب.

دلیل: حدیث ضعیف شک و گمان است؛ ﴿إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔا﴾ (یونس ۳۶)؛ «إِيَّاكُمْ والظَّن، فإن الظَّنَّ أكذبُ الحدِيث» (تخریج بخاری ومسلم).

کسانی که قائل به این رأی می‌باشند: ۱. یحیی بن معین ۲. امام بخاری ۳. امام مسلم ۴. حافظ ابوزکریا نیسابوری ۵. ابوزرعه رازی ۶. ابوحاتم رازی ۷. ابن تیمیه ۸. ابن حبان ۹. خطابی ۱۰. ابن حزم اندلسی ۱۱. شوکانی ۱۲. ابن أبی حاتم رازی ۱۳. أبو شامة المقدسی ۱۴. جلال الدین الدوانی ۱۵. قاضی ابوبکر ابن العربی ۱۶. صدیق حسن خان ۱۷. احمد شاکر ۱۸. آلبانی ۱۹. دکتر صبحی صالح.

رأی سوم: در احکام: ممنوع و در ترغیب و ترهیب: جایز است.

دلیل: احتمال صحت حدیث ضعیف وجود دارد. « من بلغه عن الله فضل فأخذ بذلک الفضل الذی بلغه، أعطاه الله ما بلغه و إن کان الذی حدثه کاذبا », سلسلة الأحادیث الضعیفة, شماره ۴۵۲.

معنای این حدیث دروغ چنین است که اگر کسی به خاطر فضیلت کاری که از الله ﷻ نقل شده به آن عمل کند, الله ﷻ به وی چنان پاداشی را می دهد, هرچند که آن روایت دروغ باشد.

بعضی از علماء برای عمل به حدیث ضعیف در فضائل شروطی گذاشته‌اند که نهایت این مطلب بررسی می شود.

مثالی برای حدیث ضعیف در فضائل اعمال:

۩ عن أبی أمامة عن النبیﷺ قال: «مَنْ قَامَ لَيْلَتى العِيدَيْنِ لِلَّهِ مُحْتَسِباً لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ حينَ تَمُوتُ القُلُوبُ ».

❇ تخریج ابن ماجه.

❇ قائلین به رأی سوم: سفیان ثوری، عبدالله بن مبارک، عبدالرحمن بن مهدی، سفیان بن عیینه، یحیی بن معین، قولی از امام احمد، ابوزکریا عنبری، ابن عبدالبر، ابن قدامه، امام نووی، ابن کثیر، جلال الدین محلی، جلال الدین سیوطی، خطیب شربینی، تقی الدین فتوحی، ملا علی قاری، محمد عبدالحی الکنوی، دکتر نورالدین عتر.

قول راجح: قول دوم راجح‌تر است.

علت ترجیح قول عدم عمل به حدیث ضعیف حتی در فضائل اعمال را می‌توان در دلایل ذیل بیان کرد :

۱. هیچ قول صحیحی از ائمه [ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد] وجود ندارد و فرضاً اگر از عالمی نقل شده باشد احتمال خطا از هر انسان سر می‌زند به جز رسول اللهﷺ.

۲. ادعای اجماع علماء بر احتجاج به حدیث ضعیف با وجود علمائی که اسامی آنها ذکر گردید نقض می‌شود. و توجه داشته باشیم بعضی از علما در مسئله‌ای می‌گویند که اجماعی است ولی خودشان در همان کتاب خلاف آنرا ذکر کرده‌اند –که شرح این موضوع نیاز به رساله جداگانه دارد - فرحم الله جمیعاً

۳. وجود احادیث ضعیف در کتاب‌ها دلیل بر صحت آنها و یا استدلال و احتجاج به آنها نیست، علماء برای ادای مسئولیت برای ما نقل کرده و چه آن را ذکر کرده و حکم به ضعف حدیث داده‌اند تا یادآور شوند که محل استدلال صحیح نیست.

۴. استناد کردن به حدیث ضعیف جهت اثبات یک عمل مستحب صحیح نیست زیرا استحباب یک عمل شرعی می‌باشد و نیاز به دلیلی از قرآن یا حدیث صحیح و حسن دارد و اگر آن عمل مستحب با دلایل صحیح از قرآن و سنت اثبات شده دیگر نیازی به ذکر کردن احادیث ضعیف در آن مورد سود ندارد زیرا اصل حکم از احادیث صحیح دیگری گرفته شده است.

۵. علمائی که شروطی برای قبول حدیث ضعیف در فضائل کرده‌اند تطبیق آن سخت است و می‌توان گفت جمع کردن تمام آن شروط در یک حدیث ناممکن است به همین دلیل خود آن علماء به آن قواعد عمل نکرده و زیر پا گذاشته‌اند.

❊ مجموع شروطی که برای قبول حدیث ضعیف ذکر کرده‌اند و پاسخ و رد بر آن شروط:

الف) حدیث ضعیف، ضعفش شدید نباشد.

جواب: شناخت این ضعف کار متخصصین حدیث و کارشناسان آن است اما علمائی که شرط کرده‌اند اکثر به این ضعف دقت نمی‌کنند و در کتب و منابر برای مردم بیانش می‌کنند.

اما مردم متأسفانه امروزه به آن عمل و نمی‌دانند ضعف حدیث چه معنائی دارد و می‌گویند: «مگر رسول الله ﷺ حدیث ضعیف می‌گوید».

ب) آن حدیث زیر یک اصل عام قرار بگیرد.

جواب: پس به حدیث صحیح عمل کرده‌ایم نه حدیث ضعیف.

ج) معتقد به ثبوت آن حدیث نباشد – و نگوید سنت است – فقط از باب احتیاط به آن عمل کند.

جواب: احتیاط در این است که هر چه رسول الله ﷺ گفته انجام بدهیم اما هر چه شک داریم کنار بگذاریم. اما این نوع احتیاط (عمل به حدیث ضعیف) یک نوع نسبت دروغی به خدا و رسول الله ﷺ به حساب می‌آید و باید آن را کنار بگذاریم.

د) عمل به آن شهرت پیدا نکند تا عوام آنرا سنت حساب نکنند.

جواب: متأسفانه اکنون احادیث ضعیف در جامعه رواج پیدا کرده و مردم به آنها بیشتر از احادیث صحیح اهمیت داده و به آن عمل می‌کنند و حتی مشاهده می‌گردد که بعضی از ائمه جمعه آنرا روی منابر بیان می‌کنند.

نتیجه: عمل به شروط بالا ذکر شده تقریباً ناممکن می‌باشد حتی برای اهل علم چه برسد به عوام الناس و باعث شده به بهانه اینکه بعضی از علماء حکم به جواز داده‌اند احادیث ضعیف رواج پیدا کند.

آیا یک انسان مؤمن نباید از خدا و رسولش بترسد که گفته‌ای به آنها نسبت دهد که خدا و رسول الله ﷺ از آن بری هستند و فرمایش رسول الله ﷺ در صحیح مسلم را فراموش کرده‌اند که فرمود: «منْ حدَّث عنِّي بِحَدِيثٍ يرَى أنَّهُ كذِب،فَهُو أحدُ الكَاذِبِين» رواه مسلم.

«آنکه سخنی را از من نقل کند که می بیند آن دروغ است، پس یکی از دروغگویان بشمار می‌رود».

سخن گفتن عادی بدون تحقیق انسان را در ردیف دروغ گویان قرار می‌دهد, چه برسد به دروغ گفتن بدنبال رسول الله ﷺ .

۩ عنْ أبي هُريْرةؓ أنَّ النبيَّ ﷺ قال: « كفى بالمَرءِ كَذِباً أنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ ما سمعِ ».

❊ تخریج مسلم.

❊ از ابو هریرهؓ روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: «دروغگوئی شخص همین بس که همه‌ی آنچه را می شنود، می‌گوید».

❊ ابن حبان در صحیحش فصلی آورده و می‌گوید: باب ذکر وجوب دخول جهنم برای کسی که به مصطفی چیزی نسبت بدهد در حالی که از صحت آن خبر ندارد.

و در زیر همین باب حدیث أبی هریرهؓ را نقل کرده که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ يَقُلْ عَلَيَّ مَا لَمْ أَقُلْ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

«کسی که به من سخنی را نسبت دهد که من آنرا نگفته باشم، باید جای خود را در آتش، آماده کند».

❊ اقوال علماء در این موضوع بسیار زیاد است به همین مقدار اکتفا کرده و می‌گوییم احادیث ضعیف نتایج و آثار منفی و مخرب زیادی در دین بدنبال آورده لهذا یادآور می‌شویم:

۱. علماء اتفاق کرده‌اند که حدیث ضعیف مردود بحساب می‌آید.

۲. حدیث ضعیف فایده‌ای بجز ظن مرجوح ندارد و ظن و گمان لا یغنی من الحق شیاً

۳. استناد به احادیث ضعیف و اکتفاء نمودن به آن و عدم بحث و استفاده از احادیث صحیح رسول الله ﷺ که تعداد آنها بسیار زیاد است.

۴. رشد بدعت‌ها و خرافات در میان قشر جامعه در نتیجه رواج احادیث ضعیف.

مؤمن عزیز پس همانند امام بخاری و مسلم با نقل حدیث صحیح و دوری جستن از احادیث ضعیف مدافع سنت مصطفی باشیم تا در ساحت قیامت رسول الله ﷺ از ما دفاع و همنشین او در بهشت باشیم.

نوشته ی: احمد بازماندگان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وسيد المرسلين، أما بعد:

﴿ نقل حدیث دروغین ﴾

علمای امت اسلامی در نقل احادیث ضعیف در فضائل اعمال اختلاف نظر دارند, ولی هیچ یک از آنان اختلافی در ممنوعیت نقل حدیث دروغین را ندارند, وبدین علت علمایی همچون ابن الجوزی کتاب های خاصی را در رد احادیث دروغین نوشته اند, زیرا حدیث ضعیف احتمال این را دارد که صحیح باشد, ولی چون در صحت آن شک و تردید است به آن عمل نمی شود, همانطور که الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔا ﴾, یونس ۳۶: (و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند.)؛ اما حدیث دروغین چنین وجهی را ندارد, زیرا یکی از راویان آن دروغگو می باشد که هیچ پروایی در دروغ نسبت دادن به رسول الله ﷺ که ناقل وحی است ندارد, واین یکی از بزرگترین گناهان است, و بدون شک و تردید روایتش درست نیست, هرچند که راوی دروغگو شاید اصل روایتش صحیح باشد, ولی چون دروغگوست ما هیچ روایتی از او نمی پذیریم, و امام جوینی از پدرش تکفیر چنین کسانی که به خودشان جرأت دروغ بر رسول الله ﷺ داده اند را نقل می کند, هرچند که امام جوینی خودش در این مسأله با پدر موافق نمی باشد! و علماء در گناه بودن نقل احادیث دروغ به مردم بدون بیان کردن دروغ بودنش اختلاف ندارند, مگر این که دروغ بودنش را پس از تحقیق و بررسی نداند! (ن.ک: شرح نووی بر صحیح مسلم), و رسول الله ﷺ با نقل حدیث دروغین سخت برخورد کرده اند, که در این نوشته سخنی پیرامون این مطلب به میان آورده ام.

۩ عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ رضي الله عنه عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: « مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِحَدِيثٍ يُرَى أَنَّهُ كَذِبٌ فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ ».

❊ تخریج مسلم در (مقدمه، باب وجوب الرواية عن الثقات و ترک الكذابين، حدیث شماره ۱).

❊ **ترجمه:** از سَمُرَه بن جندب رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: « کسی که سخنی از من نقل کند در حالی که گمان می‌برد آن حدیث دروغ است، پس آن ناقل خودش یکی از دروغ گویان می‌باشد ».

❊ **توضیح:** گویم: امام نووی رحمه الله در منهاج شرح صحیح مسلم (۱۲۳/۱) می‌گوید: (حرکت کلمه‌ی "یُری" با

ضمه‌ی روی حرف یاء و "کاذِبین" با کسره‌ی زیر حرف باء و یا "کاذَبین" با فتحه‌ی روی حرف باء است...، وبعضی از ائمه "یَری" را با فتحه‌ی روی حرف یاء نیز خوانده‌اند).

اما "یَری" با فتحه‌ی روی یاء به معنای علم و دانستن است، امام ابوالعباس قرطبی در کتاب المفهم (۱۱۲/۱) درباره‌ی معنای دیگر "یَری" می‌گوید: (احتمال دارد این کلمه در حدیث به معنای دیدن باشد، که گمان است، همان‌طور که گفته می‌شود: چنین می‌بینم یعنی چنین به نظرم می‌رسد، و بر اساس هر دو معنای این کلمه مقصود از مذمّت و بَد شماردن در حق کسی است که به طور عمدی و با علم یا بر اساس گمانش دروغ بگوید. و اما "یُری" با ضمه‌ی روی یاء .. معنایش گمان است.. و فرموده‌ی رسول الله ﷺ « فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ » این کلمه [یعنی کاذِبین] با کسره‌ی زیر باء بر اساس جمع روایت شده‌ایم که معنایش چنین است: « پس آن ناقل خودش یکی از دروغ گویان بر رسول الله ﷺ می‌باشد »، کسانی که الله تعالی در حق آنان فرموده‌اند: ﴿ وَيَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ﴾ [الزمر ۶۰]: « و در روز قیامت کسانی که بر الله دروغ می‌بندند را خواهی دید که روهایشان سیاه است »، زیرا دروغ بر رسول الله ﷺ دروغ بر الله تعالی است. و این کلمه [یعنی کاذَبین] با فتحه‌ی روی باء بر اساس مثنی بودن نیز روایت شده است و معنایش چنین می‌باشد: کسی که حدیث را روایت کرده و ناقل از او، بر اساس گمانشان یا علم آنها به دروغ بودن آن، هر دو دروغ‌گو هستند، اوّلی برای آنچه روایت کرده و دیگری برای حمل آن دروغ با وجود علمش و یا گمانش نسبت به آن دروغ.

دلالت این حدیث نیز چنین است که ما بر حذر باشیم از اینکه روایتی را از رسول الله ﷺ نقل کنیم مگر بعد از تحقیق درست بودن آن بر اساس علم یا گمان، و یا اینکه آن را نقل کنیم بر اساس بیان کردن دروغ بودن آن روایت؛ که این کار شامل این حدیث نمی‌باشد.).

علمای اهل سنت در نقل احادیث فضایل اعمال که کمی ضعف در آن هست اختلاف دارند و صحیح این است که نقل احادیث ضعیف در فضایل اعمال درست نیست! زیرا ما به حد کافی احادیث صحیح داریم, و چه قدر از احادیث صحیح هستند که امروزه به آنها عمل نمی‌شود و ما باید آنها را زنده کنیم و اگر این احادیث ضعیف درست بود الله آنها را برای ما مثل احادیث صحیح حفظ می‌کرد. اما در نقل احادیث موضوع و دروغ در فضایل اعمال هیچ عالمی آن را اجازه نداده است و الله در قرآن چنین می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَـٰقُ ٱلْكِتَـٰبِ أَن لَّا يَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ﴾ : « مگر از آنان در کتاب (یعنی تورات) پیمان گرفته نشده است که از زبان الله جز آنچه که حق است نگویند

»، در این آیه درست است که خطاب به یهود است ولی همان‌طور که الله ﷻ آنان را سرزنش می‌کند ما هم اگر مثل آنان چنین کاری را انجام دهیم سرزنش شده هستیم. پس ما باید در نقل احادیث دقت و احتیاط کنیم و از استفاده کردن از روایتی که احتمال دروغ در آن باشد برحذر باشیم تا از جمله دروغ‌گویان به حساب نیاییم.

نوشته ی: صلاح الدین جوهری